

مر اقب معیشت مردم باشیم



علی جشمی، اقتصاددان:
اتفاقی که در عَماه ابتدایی سال۱۴۰۵ در اقتصاد ایران افتاد یعنی رشد اقتصادی منفی ۱۰درصد و تورم بالای ۹۰درصد نشان داد سیاستمدار ایرانی هنوز در حال و هوای اقتصاد غیررسمی، غیرصنعتی، غیرمالی و دولت نفتی مسلط

دهه ۱۳۶۰ سیر می‌کند. اقتصاد ایران در این سال‌ها و تحت همه فشارها تغییر کرده است: سهم بالایی از اشتغال اکنون رسمی و بیمه‌شده است و سازمان تأمین اجتماعی ماهانه حدود ۱۵۰همت باید بابت مستمری به حدود ۵.۲میلیون بیمه شده اصلی و بابت امور درمانی بپردازد. دهه ۱۳۶۰ ایجاد مساله این نبود، هر بار شمارز کردن کالابریگ حدود ۹۰همت برای دولت بار مالی دارد، بارانه نقدی و نان و دارو و سایر ماهانه حدود ۸۰همت هزینه دارد و دولت ماهانه حدود ۲۵۰همت باید حقوق بپردازد و به صندوق‌های بازنشستگی کمک کند یعنی کل دولت ماهانه حدود ۵۰۰همت باید جور کند. دهه ۱۳۶۰ مساله دولت فقط حقوق کارمندان بود. سازمان امور مالیاتی در همین شرایط جنگی ماهانه حدود ۱۶۰همت مالیات گرفته (غیر از گمرک)، تأمین اجتماعی هم حق بیمه گرفته (آمار منتشرنشده) مابقی از پول صادرات نفت و گاز و شرکت‌های بخش انرژی تأمین شده. درحالی که دهه ۱۳۶۰ بیشتر از پول نفت بود. در این شرایط که اقتصاد رسمی شده و بار مالی دولت بر دوش بخش رسمی (مالیات) و سایر وجوه بر عهده تولیدکنندگان (است) قرار گرفته جنگ و محاصره نه تنها صادرات نفت را مختل می‌کند، بلکه تولید را هم به مشکل می‌اندازد. تورم و رشد منفی این ۶ماه را بگذارد کنار این شرایط. اقتصاد دهه ۱۳۶۰ غیرصنعتی بود. ایران را در هر صنعتی که در نظر بگیرید، با وجود همه نواقص فعلی، در این سطح تولید صنعتی و صادرات صنعتی نداشت از سیمان، فولاد، مس و مواد معدنی، تا پتروشیمی و مواد شیمیایی، از خودرو و ساخت قطعات تا لوازم خانگی، مواد غذایی، صنایع الکترونیک و داروسازی. ارزش و ترکیب صادرات نفتی این سال‌ها را مقایسه کنید با دهه ۱۳۶۰ که عمده پسته بود و فرش. صنایع فعلی با جنگ و محاصره و فشار مالیاتی و بیمه‌ای و ارزی وضعیت متمایزی در جامعه ایجاد می‌کنند نسبت به دهه ۱۳۶۰. اقتصاد ایران دهه ۱۳۶۰ ابتدا مالی نبود حتی بانکسی هم نبود و معاملات با پول نقد بود و به نوعی غیررسمی. اکنون پول نقد از مبادلات مردم حذف شده، انواع معاملات مالی در سهام، در صندوق‌های سهامی و کالایی و درآمد ثابت و اخیرا ارزی و حتی در رمزارز رواج دارد و سهم مهمی دارد. برای مثال، در روزهایی که تنش مانند جنگ و تشدید محاصره در کشور پیش می‌آید اگر ۲درصد دلار نرخ بالا برود و ۲درصد شاخص کل بورس سهام کاهش یابد حدود ۴میلیارد دلار ارزش بازار سهام ایران کاهش می‌یابد. این رقم را به خرج ماهانه کل دولت مقایسه کنید خودش می‌شود پول ۴ماه همه مخرج دولت. اگر سیاستمدار و سیاستگذار ایرانی متناسب با تغییرات ساختاری رخ‌داده در اقتصاد ایران طی ۵دهه اخیر حرف‌های نشود روزبه روز هزینه اجتماعی بیشتری به ایران تحمیل خواهد شد که دولت آن را به شکل کسری بودجه تحمل کند و تولید آن را به شکل کاهش سرمایه‌گذاری تحمل کند و مردم آن را به شکل بدتر شدن معیشت و رفاهشان.

تله مالی دولت عمیق تر شد



مهدی فیضی، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه فردوسی: نیمه اول سال۱۴۰۵ را باید نقطه عطفی تلخ در تاریخ اقتصادی ایران دانست. اقتصاد ایران در بهمار ۱۴۰۵ بارشده منفی ۱۰.۱درصدی (با احتساب نفت) و منفی ۴.۶درصدی

(بدون احتساب نفت) مواجه شد. یعنی اقتصاد ایران در یک فصل، بیش از ۱۰درصد کوچک‌تر شد. آنچه این دوره را از رکودهای پیشین متمایز می‌کند، همزمانی چندشوگ بزرگ است: جنگ تمام‌عیار از ۹اسفند۱۴۰۴، محاصره دریایی و بسته شدن تنگه هرمز، تحریم‌های نااوپه علیه شرکای تجاری ایران و فروپاشی صادرات نفت، مهم‌ترین نااطمینان‌های ریسک‌های نیمه اول ۱۴۰۵ به نظر ریسک ژئوپلیتیک و جنگ در در وهله‌های بعدی ریسک عدم صادرات نفت، ریسک تحریمی و انزوای مالی، ریسک تورمی و فروپاشی قدرت خرید، ریسک بیکاری و انقباض بازار کار، ریسک کسری بودجه و ناترازی مالی و ریسک ناترازی انرژی است. این ریسک‌ها به نظرم از طریق پنج کانال اصلی انتظارات ارزی، درآمد‌های نفتی، کسری بودجه، انرژی و بازار کار و رفاه می‌تواند به نیمه دوم سال منتقل شوند. نرخ ارز به‌عنوان «لنگر انتظارات تورمی» عمل می‌کند. با تداوم محاصره و افزایش تحریم‌ها، فشار بر بازار ارز ادامه می‌یابد. هر جهش ارزی، مستقیماً به افزایش هزینه واردات مواد اولیه، نهاده‌های تولید و کالاهای مصرفی منجر می‌شود و تورم را تشدید می‌کند. با عدم صادرات نفت، ایران هم‌زمان با از دست دادن منابع ارزی و کاهش درآمد‌های دولت مواجه است. این به تله مالی منجر می‌شود؛ دولت نه می‌تواند (به دلیل فشارهای اجتماعی و جنگ) هزینه‌ها را کاهش دهد و نه می‌تواند منابع جدید ایجاد کند. با کاهش درآمد‌های نفتی و مالیاتی نیز دولت ناچار به استقراض از بانک مرکزی یا انتشار اوراق می‌شود که هر دو مسیر، فشار تورمی را افزایش می‌دهند. رشد نقدینگی بالا، به‌ویژه برای تورم را روشن‌تر می‌کند. همچنین با نزدیکی شدن به زمستان، ناترازی گاز تشدید می‌شود. کاهش تحویل گاز به نیروگاه‌ها، تولید برق را محدود می‌کند و قطعی‌های برق، ظرفیت تولید صایع را کاهش می‌دهد. این چرخه معیوب می‌تواند رکود نیمه دوم را عمیق‌تر کند. در نهایت با ادامه رکود، بنگاه‌ها به تعدیل نیرو ادامه می‌دهند. نرخ بیکاری ۹.۱درصدی بهار، احتمالاً در نیمه دوم به‌ویژه در بخش‌های صنعت و خدمات افزایش می‌یابد. این فشار، هم از مسیر کاهش تقاضای کل و هم از مسیر افزایش هزینه‌های حمایتی دولت، به نیمه دوم منتقل می‌شود. چشم‌انداز نیمه دوم ۱۴۰۵ را می‌توان در سه سناریو تصور کرد. در سناریوی اول با ادامه وضعیت فعلی، صندوق بین‌المللی پول رشد اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۶ را منفی ۵.۴ درصد پیش‌بینی کرده است و نرخ تورم را ۸.۹ درصد برآورد می‌کند. موسسه اکونومیست این انقباض را ۹.۲ درصد پیش‌بینی می‌کند. در این سناریو، تورم نقطه‌به‌نقطه تا اسفند ۱۴۰۵ به ۹.۲ درصد می‌رسد. کسری بودجه تشدید می‌شود و ذخایر ارزی کاهش می‌یابد. بخش‌های صنعت، معدن و ساختمان در رکود عمیق باقی می‌مانند.

در سناریوی کاهش تنش‌ها و بازگشت نسبی ثبات، با فرض تورم ماهانه ۰.۸ درصد (میانگین پنج‌ماهه نخست)، تورم نقطه‌به‌نقطه در اسفند ۱۴۰۵ به حدود ۰.۸ درصد می‌رسد. رشد اقتصادی سالانه به حدود منفی ۳ تا ۴ درصد می‌رسد و در بهار ۱۴۰۶ به تدریج به محدوده صفر نزدیک می‌شود. در نهایت در صورت توافق جامع و رفع تحریم‌ها، بازگشت نفت به بازارهای جهانی و عادی‌سازی مسیرهای تجاری، تورم نقطه‌به‌نقطه در اسفند ۱۴۰۵ به حدود ۱.۷ درصد کاهش می‌یابد. این سناریو، مشروط به تحولات سیاسی اساسی است و تحقق آن تا پایان ۱۴۰۵ دشوار به نظر می‌رسد. در مجموع به نظر می‌رسد به تریب بخش‌های صنعت و معدن، انرژی، خدمات و ساختمان بیش از سایر بخش‌ها در معرض آسیب باشند.

گروه اقتصاد

editor@smtnews.ir

پیش بینی اونس جهانی طلا

نام دلار روبه‌رو هستیم. در روزهای ابتدایی مهرماه، نرخ دلار در محدوده ۲۳۵ هزار تومان قرار دارد. اگر به الگوهای سال‌های گذشته نگاه کنیم، معمولاً در ماه آذر شاهد آغاز نوسانات شدید و روندهای افزایشی هستیم و بالاترین قیمت‌های سال عموماً در دی‌ماه ثبت می‌شود. بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود که تا اواخر آذر و اوایل دی‌ماه (مصادف با پایان سال میلادی)، قیمت دلار در بازار داخلی به محدوده ۲۷۰ تا ۲۸۰ هزار تومان برسد.

با در نظر گرفتن سناریوی اونس ۵۰۰۰ دلاری و دلار ۲۷۰ هزار تومانی، انتظار می‌رود که در اواخر آذرماه قیمت طلا در بازار داخلی به کانال ۳۰میلیون تومان نزدیک شود.

چشم‌انداز طلا در دوراهی سیاست

مؤسسات مالی بزرگ دنیا طلا را رقیب و تهدیدی برای بازارهای خود می‌دانند و همواره تلاش می‌کنند قیمت این فلز گرانبها را پایین نگه دارند، اما انتظار می‌رود تا پایان سال قیمت اونس جهانی به محدوده ۴۵۰۰ دلار برسد. اما در کنار این سناریوی پایه، باید احتمالات سیاسی را هم در نظر گرفت. بدیهی است که در صورت بروز هرگونه تنش یا جنگ، شیب این افزایش قیمت تندتر خواهد شد. در نقطه مقابل، اگر شاهد یک توافق سیاسی یا گشایشی باشیم که خیر ملت در آن باشد، طبیعتاً قیمت‌ها روند نزولی به خود می‌گیرند. با این حال، نکته بسیار کلیدی در اینجا وجود دارد که نباید از آن غافل شد. نباید تصور کنیم که با یک توافق سیاسی، قیمت‌ها به صورت دائمی فروکش کرده و همه چیز ارزان می‌شود.

عبادالله محمدولی، تحلیلگر بازار طلا:

برای ترسیم چشم‌انداز بازار طلا در نیمه دوم سال، پیش از هر چیز باید مشخص کنیم که تحلیل ما بر ستر چه شرایطی بنا می‌شود؟ یا فرض ما تداوم شرایط فعلی است یا وقوع اتفاقات و شوک‌های سیاسی پیش‌بینی‌نشده؟ با در نظر گرفتن تداوم شرایط فعلی، ارزیابی من این است که هم اونس جهانی و هم بازار طلای داخلی روندی صعودی خواهند داشت. در بازار داخلی، پیش‌بینی می‌کنم در ۶ماهه دوم با یک شیب ملایم، شاهد افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی و حتی شاید تا ۲۵ درصدی قیمت‌ها باشیم. در بازارهای جهانی نیز، هرچند



آسیب‌های رشد بورس گزینشی

همچنان صعودی ارزیابی می‌شود، اما باید واقع‌بین بود؛ بازدهی شش‌ماهه دوم احتمالاً به اندازه بازدهی پرشتاب نیمه نخست نخواهد بود. در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع و دغدغه پیش روی بورس، ریسک‌های سیاسی و افزایش تنش‌هاست. با این حال، اگر سطح تنش‌ها و ریسک‌های سیستماتیک در همان مختصات یکی دو ماه گذشته باقی بماند، بازار این میزان از ریسک را اصطلاحاً به جان می‌خورد و با عبور از اصلاحات مقطعی و طبیعی قیمت‌ها، به مسیر رو به رشد خود ادامه خواهد داد. تفاوت مهم نیمه دوم سال در الگو و کیفیت رشد

تاثیر کاهش تشش بر شاخص بورس

و ۵۰۰ تومانی بودیم که عملاً به معنای حرکت به سمت تک‌تخری شدن ارز بر مبنای دلار توافقی است. با در نظر گرفتن نرخ بهره ۴۰ درصدی و تورم انتظاری ۸۰ درصدی، می‌توان گفت نسبت P/E TTM بازار اکنون در محدوده ۱۰ واحد قرار دارد. با توجه به رشد درآمد و سود شرکت‌ها، شاخص بورس و نیمه‌بینی با P/S حدود ۲.۲ و P/E حوالی ۹.۲ کاملاً منطقی است و با متغیرهای بنیادین و تعیین‌کننده نقطه تعادل بازار همخوانی دارد. برای نیمه دوم سال، روند بازار سهام مستقیماً تابعی از رشد نرخ ارز توافقی خواهد بود. اگر دلار توافقی فاصله ۲۰ تا ۲۵ درصدی خود را با دلار بازار آزاد (که اکنون در محدوده ۲۳۰ هزار تومان است) حفظ کند، می‌توان انتظار داشت که بازار سهام با اتکا به سود تقسیمی (DPS) شرکت‌ها، بازدهی بهتری نسبت به بازار ارز خلق کند. البته در مقطع فعلی، کسب این بازده مزاد با ریسک‌های نظامی و سیاسی قابل‌توجهی همراه است و همین مساله می‌تواند



ولید هلالات، تحلیلگر بازار سرمایه: پیش از آغاز سال و با توجه به انتظاراتی که برای آغاز یک درگیری نظامی به وجود آمد، شاخص کل بورس یک اصلاح ملموس از محدوده ۴میلیون و ۶۰۰ هزار واحد به ۳میلیون و ۷۱۳ هزار واحد را تجربه کرد. اما پس از بازگشایی بازار در بیست و هشتم اردیبهشت‌ماه، روند صعودی پرشتایی آغاز شد که شاید در ابتدا کمتر کسی انتظار آن را داشت. امروز که این معما حل شده، می‌توانیم بگوییم این جهش ناشی از انتظارات تورمی قابل توجه و نسبت P/E بسیار پایین (در محدوده ۲) برای شرکت‌هایی بود که می‌توانستند با نرخ‌های دلار توافقی جدید سودآوری بالایی ثبت کنند. از آن مقطع تا به امروز، شاخص کل بازدهی تقریباً ۱۰۰ درصدی داشته و به رکورد ۷میلیون و ۵۰۰ هزار واحد رسیده است. در این مدت ما شاهد رشد ۸۰ تا ۱۰۰ درصدی نرخ ارز توافقی و حذف دلار ترجیحی ۲۸ هزار

سدهای غیر سیاسی رشد

و چه دولت می‌توانیم به عینه ببینیم که در میانه سال۱۴۰۵ عملاً دستمزدهای ثابت آنها در طول سال بیش از ۶۰درصد ارزش خود را از دست داده است. در نیمه اول سال خطر اصلی، غلبه رفتارهای کوتاه‌مدت حفظ بقا بر تصمیم‌های بلندمدت توسعه است. وقتی بنگاه نتواند قیمت مواد اولیه، دسترسی به ارز، تأمین انرژی یا شرایط فروش چند ماه آینده را برآورد کند، ممکن است به‌جای توسعه ظرفیت، نقدینگی نگه دارد، مواد اولیه ذخیره کند یا پروژه را به تعویق بیندازد. این رفتار می‌تواند برای یک بنگاه منطقی باشد؛ اما در سطح کل اقتصاد به کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌انجامد. بنابراین حتی اگر بعضی فعالیت‌ها رشد را نشان دهند، برای قضاوت درباره کیفیت آن رشد باید پایداری تولید، سرمایه‌گذاری و وضعیت بنگاه‌های کوچک و متوسط را نیز سنجید. نااطمینانی و نوسانات شدید با مسیر افزایش نرخ ارز، تورم سرکش و تازنده مخصوصاً در حوزه‌های مواد غذایی و دارویی، رکود شدید در بخش قابل‌توجهی از اقتصاد و صنعت و ناهماهنگی در تصمیمات وزارتخانه‌های متفاوت و بانک مرکزی فعالان اقتصادی را به نوعی انتظارات تورمی



فراتر از حد معمول واداشته است و تقریباً کلیه قراردادهای تجاری با نرخ‌هایی بالاتر از نرخ تورم و نرخ ارز موجود منقذ می‌شوند. تمرکز بیش از حد تصمیمات در مرکز و پایتخت عاملی شده که فاصله جغرافیایی شاخص‌هایی مانند نرخ تورم و نرخ بیکاری و فلاکت اقتصادی در داخل کشور به سطح غیرقابل پذیرش برسد. نرخ تورم در تهران با استان‌هایی مانند ایلام، کرمانشاه و کردستان و سیستان و بلوچستان حدود ۴۰ درصد متفاوت است. مساله سوم دشواری جدی تأمین مالی است. تأمین مالی که بیش از یک‌دهه به بند منابع مالی در اختیار باشند، در بند گرداب بخشنامه‌ها و مقررات ضد رونق گیر کرده است. البته باید یک نکته را در نظر داشت و آن هم نمی‌توان به بخش‌های تولیدی کشور به صورت توده‌ای نگاه کرد. این نگاه اشکال فلسفی جدی دارد. در شرایط کنونی کشور اگرچه منابع مالی بزرگ در حال توزیع است، ولی همچنین بخش‌های واقعی تولیدی از تأمین مالی محروم هستند. بیش از ۷۰درصد منابع مالی بانکی کشور عملاً در مرکز کشور توزیع شده و بقیه کشور در عمل ۲۰درصد مابقی را دریافت می‌کنند.

در سناریوی دوم، در صورت ورود کشور به جنگی دامنه‌دار، به‌طور قطع علاوه بر ادامه رکود، بازار با کاهش محسوس قیمت‌ها به‌ویژه در واحدهای لوکس و گران‌قیمت مواجه خواهد شد.

در نهایت، بر اساس سناریوی سوم و در صورت دستیابی به یک توافق پایدار صلح، معاملات مسکن وارد فاز رونق شده و قیمت‌ها نیز افزایش خواهد یافت. هرچند شدت این رونق به‌طور مستقیم به ماهیت توافق صلح و افق روابط ایران و غرب وابسته خواهد بود.

طلا

سهراب اشرفی، تحلیلگر بازار طلا: برای پیش‌بینی وضعیت بازار طلا در نیمه دوم سال ۱۴۰۵، باید دو متغیر اصلی یعنی اونس جهانی و نرخ ارز در بازار داخلی را زیر ذره‌بین قرار داد. بررسی روند ده‌ساله بازار جهانی نشان می‌دهد که معمولاً در ماه‌های پایانی سال میلادی، قیمت اونس طلا در مقایسه با سال قبل از آن در مسیر صعودی قرار می‌گیرد.

در حال حاضر قیمت اونس به زیر ۴۳۰۰ دلار رسیده است، اما این احتمال قوی وجود دارد که تا پایان سال میلادی قیمت‌ها به سمت محدوده ۵۰۰۰ دلار حرکت کند و ما شاهد افزایش قیمت محسوسی در بازارهای جهانی باشیم. از سوی دیگر، در بازار داخلی با متغیر تعیین‌کننده‌ای به

عبادالله محمدولی، تحلیلگر بازار طلا:

برای ترسیم چشم‌انداز بازار طلا در نیمه دوم سال، پیش از هر چیز باید مشخص کنیم که تحلیل ما بر ستر چه شرایطی بنا می‌شود؟ یا فرض ما تداوم شرایط فعلی است یا وقوع اتفاقات و شوک‌های سیاسی پیش‌بینی‌نشده؟ با در نظر گرفتن تداوم شرایط فعلی، ارزیابی من این است که هم اونس جهانی و هم بازار طلای داخلی روندی صعودی خواهند داشت. در بازار داخلی، پیش‌بینی می‌کنم در ۶ماهه دوم با یک شیب ملایم، شاهد افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی و حتی شاید تا ۲۵ درصدی قیمت‌ها باشیم. در بازارهای جهانی نیز، هرچند

حمید میرمعینی، تحلیلگر بازار سرمایه: بازار سرمایه در نیمه نخست سال بازدهی مطلوبی را به ثبت رساند که محرک اصلی آن، افزایش تورم و نرخ ارز بود. به تبع رشد این دو متغیر، در گزارش‌های مالی شرکت‌ها نیز شاهد افزایش ملموس سودآوری بودیم. با توجه به چشم‌انداز اقتصادی و تداوم احتمالی نوسانات صعودی نرخ دلار و تورم، انتظار می‌رود این روند سودسازی حفظ شود و بازار با خوش‌بینی به استقبال گزارش‌های عملکرد سه‌ماهه دوم و سوم برود. برای نیمه دوم سال نیز روند کلی بازار

بورس

مسکن

سهراب دل‌انگیزان، استاد اقتصاد دانشگاه رازی: در عَماه اول سال۱۴۰۵ شاخص‌های کلان اقتصادی نشان از وخامت اوضاع اقتصادی کشور می‌دهند. نرخ منفی رشد اقتصادی کشور در بهار۱۴۰۵ بر اساس گزارش‌های رسمی با نفت به بیش از ۱۰درصد و بدون نفت به نزدیک ۵درصد رسیده است. نرخ بیکاری کشور در بهار۱۴۰۵ نسبت به بهار سال گذشته افزایشی حدود ۲درصدی داشته و نرخ تورم نقطه به نقطه در مردادماه۱۴۰۵ به مرز ویران‌کننده ۹درصد رسیده است.

در همین زمان قیمت متوسط هر مترمربع ساختمان در شهر تهران به بالای ۲۵۰میلیون تومان رسیده است. برای فهم اوضاع پرنوسان و آزاردهنده اقتصاد کشور کافی است نرخ رشد دستمزدهای کارکنان دولت با نسبت عمومی ۲۰درصد و افزایش حدود ۴۰درصدی حداقل پرداختی دولت به کارکنان خودش و نیز افزایش ۶۰درصدی حقوق و دستمزد کارگران به حداقل پرداختی حدود ۱۶۶میلیون تومان را با نرخ تورم مواد غذایی در مردادماه۱۴۰۵ با حدود ۱۳۰درصد مقایسه کنیم. در این صورت فشار کشنده تورم را بر گروه‌های با حقوق و مزایای ثابت چه در بخش خصوصی

غلامرضا سلامی، اقتصاددان:

در نیمه نخست سال، به‌رغم رکود حاکم بر بازار مسکن که بیش از هر چیز ناشی از وضعیت جنگی کشور است، شاهد افزایش قیمت نسبتاً بالایی در بخش مسکن بودیم؛ به‌طوری‌که در مجموع یک‌ساله اخیر در برخی نقاط شهر تهران، بیش از ۱۵۰درصد افزایش قیمت به چشم می‌خورد که توانسته است

